

Original Research

Draft Of the 25-year Comprehensive Cooperation Plan Between Iran, China And Its Benefits And Shares With The Principle Of Denying Sabotage

Hadi abangah azgomi^{1*}, Milad Ramezaniyan², Erfan Yousefi Qaleroudkhani³

1 PhD in Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Department of Theology, Jurisprudence and Fundamentals of Law, Faculty of Law, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

2 Bachelor's student of theological education, Department of Islamic Jurisprudence and Law, Imam Ali (AS) campus branch, Farhangian University, Rasht, Iran.

3 Bachelor's student of theological education, Department of Islamic Jurisprudence and Law, Imam Ali (AS) campus branch, Farhangian University, Rasht, Iran.

Article ID: ahrar-45961

Received: December 26, 2023	Abstract "The principle of "negation of the path" is one of the most important principles in Islamic jurisprudence, which has numerous applications in jurisprudence, politics, and governance. This principle is based on Quranic verses, such as verse 141 of Surah An-Nisa, the famous prophetic hadith "Islam prevails and is not prevailed upon," and the consensus of scholars. One of the practical applications of this principle is that regulating relations between Muslims and non-Muslim nations should always prioritize the legal rights of Muslims over non-Muslims. The Islamic Republic of Iran, which has established its government based on Islamic jurisprudence, has been striving in recent years to prove its religious, political, and economic independence and not sign any agreements contrary to Islamic law, jurisprudence, and the country's interests. However, some scholars and politicians challenge this principle of jurisprudence regarding the signing of the 25-year cooperation agreement between Iran and China. Some believe that implementing this agreement goes against Islamic jurisprudence and the country's interests, while others believe that it does not violate the principle of "negation of the path" and is in the country's best interests. Therefore, this article aims to describe and compare the advantages and disadvantages of this agreement with Islamic jurisprudence, the principle of "negation of the path," and the country's interests using a descriptive method.
Accepted: January 4, 2024	
Available online: March 18, 2024	
Keywords: Negation of the path, Iran-China agreement, draft, international relations	
Main Subjects: Islamic jurisprudence	

*Corresponding Author: Hadi abangah azgomi ,

Address: PhD in Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Department of Theology, Jurisprudence and Fundamentals of Law, Faculty of Law, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

Email: Yasobuhaghodus12@yahoo.com



Extended Abstract

1. Introduction

The rule of negation of the mustache is one of the jurisprudential principles, valid and influential on Iran's international law and the foreign relations of the politicians of the Islamic Republic of Iran. This rule, referring to verse 141 of Surah Nisa and the narration (Al-Islam yaalo wala yaali alaihi), emphasizes that the regulation of international relations between Muslims and non-Muslim nations should be established in such a way that it always results in the legal superiority of Muslims over infidels, which, of course, is this principle. The main one is to negate the oppressive rule over the Muslim. Some believe that this is in conflict with the principle of installments, which is not true. The jurists modified or annulled many jurisprudential and social rulings between Muslim and non-Muslim nations, such as ownership, rent, mortgage, marriage with unbelievers, etc., which implied the domination of the unbeliever over the Muslim for this jurisprudence rule.

2. Theoretical Framework

In the meantime, the recent discussion is the 25-year program of joint cooperation between Iran and China, which is a political and economic agreement between the Islamic Republic of Iran and the People's Republic of China to invest in various energy sectors and multilateral cooperation. Based on the importance of this agreement and the need for the lack of economic dominance of the People's Republic of China over the Islamic Republic of Iran with jurisprudential emphasis, it is necessary that the draft of the comprehensive cooperation program between Iran and China is carefully examined and its commonalities and concessions with the definite and clear rule of negation be made.

3. Methodology

Examining jurisprudential and legal documents and rules through the library method.

4. Results & Discussion

The rule of negation of mustache is one of the most important jurisprudential rules of Islam. This rule has placed any relationship between Muslims and infidels under its rule and has negated any domineering relationship, because Islam still emphasizes the dignity and independence of Muslims and does not allow infidels to dominate the fate of Muslims. Today, the rule of negation of mustache in the constitution, the views of Imam Khomeini (RA) and the general policies of the country's development program has taken a high and stable position and has become a recipe for the country's foreign policy. Also, at the international level, it should be said that when on one hand there are treaties between Muslim and non-Muslim countries and on the other hand it creates religious domination, it should be done according to the rule of negation and such treaties should be avoided in international relations. One of the important points obtained in this research is that the Islamic State and the Islamic Republic of Iran should try not to be subjugated and dominated by other countries in their international agreements, including these agreements that should be examined, the 25-year cooperation document Iran and China.



5. Conclusions & Suggestions

It is suggested that an independent committee be prepared to review the draft of the 25-year comprehensive cooperation between Iran and China and investigate the hidden aspects of this agreement with all urgency and diligence.



پیش نویس برنامه همکاری های جامع ۲۵ ساله ایران، چین و امتیازات و اشتراکات آن با قاعده نفی سبیل

دکتر هادی آبان گاه ازگمی^{۱*}، میلاد رمضانیان^۲، عرفان یوسفی قلعه رودخانی^۳

۱ دکتری فقه و مبانی حقوق اسلامی، گروه الهیات و فقه و مبانی حقوق، دانشکده حقوق، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۲ دانشجوی کارشناسی آموزش الهیات گروه فقه و حقوق اسلامی، واحد پردیس امام علی(ع)، دانشگاه فرهنگیان، رشت، ایران.

۳ دانشجوی کارشناسی آموزش الهیات گروه فقه و حقوق اسلامی، واحد پردیس امام علی(ع)، دانشگاه فرهنگیان، رشت، ایران.

کد مقاله: ahrar-45961

چکیده	تاریخ دریافت:
قاعده نفی سبیل از مهم ترین قواعد فقهی است که کاربرد های فراوانی در فقه ، سیاست و حکومت دارد. در بیان این قاعده از مستندات قرآنی از جمله آیه ۱۴۱ سوره نساء و حدیث مشهور نبوی [الاسلام يعلو و لا يعلی عليه] و اجماع فقهاء استفاده می شود. یکی از موارد مستفاد این قاعده این است که تنظیم روابط بین المللی مسلمانان با اقوام غیر مسلمان باید به گونه ای رقم بخورد که همواره به برتری حقوقی مسلمانان بر کافر بینجامد. جمهوری اسلامی نیز که حکومت داری خود را بر مبنای فقه اسلامی پایگذاری کرده است؛ در این سال ها سعی نموده همواره استقلال دینی ، سیاسی و عدم وابستگی خود را به انحصار مختلف به اثبات برساند و هیچ قراردادی را که بر خلاف شرع ، فقه و مصلحت کشور باشد به امضا نرساند. لکن امراضی پیش نویس همکاری ۲۵ ساله ایران و چین از دیدگاه برخی از فقهاء و سیاستمداران، این قاعده فقهی را به چالش می کشد . برخی نیز معتقدند که اجرای این پیش نویس بر خلاف فقه و مصالح کشور است ، بر خلاف این دیدگاه گروهی ، تنظیم و اجرای این قرارداد را نه تنها بر خلاف قاعده نفی سبیل نمی دانند بلکه آن را به نفع مصالح کشور نیز می دانند. لذا با توجه به اهمیت این موضوع ، در این مقاله سعی شده به روش توصیفی با تفطن و مداقه امتیازات و اشتراکات این پیش نویس با فقه اسلامی و قاعده نفی سبیل و مصالح کشور مورد بررسی قرار گیرد	۱۴۰۲
کلیدواژه ها:	نفی سبیل، قرارداد ایران و چین، پیش نویس، روابط بین الملل
محورهای موضوعی:	فقه و حقوق اسلامی

*نویسنده مسئول: دکتر هادی آبان گاه ازگمی

آدرس: دکتری فقه و مبانی حقوق اسلامی، گروه الهیات و فقه و مبانی حقوق، دانشکده حقوق، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

ایمیل: Yasobuhaghodus12@yahoo.com

۱- مقدمه

قاعده نفی سبیل یکی از اصول فقهی، متقن و تاثیر گذار بر حقوق بین الملل ایران و روابط خارجی سیاستمداران نظام جمهوری اسلامی ایران

است. این قاعده با استناد به آیه ۱۴۱ سوره نساء (وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا) و روایت (الاسلام يعلو ولا يعلى عليه) تاکید می کند که تنظیم روابط بین المللی مسلمانان با اقوام غیر مسلمان باید به گونه ای رقم بخورد که همواره به برتری حقوقی مسلمانان بر کافر بینجامد (نجفی، ۱۴۰ ق، ص ۱۴۳) که البته این اصل، اصلی برای نفی سلطه ظالمانه بر مسلمان است. برخی معتقدند این امر با اصل قسط در تضاد است که درست نیست. فقیهان، بسیاری از احکام فقهی و اجتماعی میان ملل مسلمان و غیر مسلمان مثل تملک، اجاره، رهن، ازدواج با کافران و... که متناسب تسلط کافر بر مسلمان بود را برای این قاعده فقهی اصلاح یا ابطال کردند. این قاعده بر عضویت جوامع اسلامی در سازمان ها و معاهدات بین المللی نیز حاکمیت دارد. عضویت در بعضی از کنوانسیون های بین المللی ممکن است سبب تسلط و سبیل کافران بر مسلمانان شود و مسلمانان حق ندارند در برابر سلطه کفار کوتاه آیند و به عضویت در نهاد ها و پیمان هایی که موجب سلطه می شود، رضایت دهند. در این میان بحثی که اخیراً مطرح است برنامه ۲۵ ساله همکاری های مشترک ایران و چین می باشد که یک توافق سیاسی، اقتصادی میان نظام جمهوری اسلامی ایران و جمهوری خلق چین برای سرمایه گذاری در بخش های مختلف انرژی و همکاری های چند جانبه است. اما بر اساس اهمیت این قرارداد و لزوم عدم سلطه اقتصادی جمهوری خلق چین بر جمهوری اسلامی ایران با تاکیدات فقهی لازم است که پیش نویس برنامه همکاری های جامع ایران و چین به دقت مورد بررسی قرار گرفته و اشتراکات و امتیازات آن با قاعده نفی سبیل معین و مبین گردد.

۲- پیشینه و جنبه نوآوری تحقیق

مقالات و کتب فراوانی توسط فقهاء و پژوهشگران در رابطه با قاعده نفی سبیل و روابط بین المللی ایران و کشورهای مختلف و ترسیم اصول کلی روابط خارجی در چند سال اخیر نگارش گردیده که در این تحقیق از آن بهره برده شده است و از آن جمله

۱. احمدوند، محسن، نگرشی نو در مفاد قاعده نفی سبیل و نسبت آن با اصل عدالت در روابط بین الملل، کاوش نو در فقه، بهار و تابستان ۱۳۹۵، نویسنده در این مقاله کوشیده که قاعده نفی سبیل و شمول آن در روابط بین الملل را بیان کند.

۲. صفایی، شهرام، قاعده نفی سبیل از منظر قانون اساسی و روابط بین الملل، فصلنامه مطالعات حقوق عمومی، دوره ۵۲، شماره ۲، تابستان ۱۴۰۱، که قاعده نفی سبیل را از منظر قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بیان کرده است. نویسنده در این مقاله سعی نموده است که قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران را که بر اساس شرع مقدس اسلام تهیه و تصویب شده است، در ارتباط با قاعده نفی سبیل و عدم سلطه کفار بر مسلمانان را در روابط بین الملل ارزیابی کند.

۳. علیدوست، ابوالقاسم، قاعده نفی سبیل، مقالات و بررسی ها، دفتر ۷۶ (۳) فقه، پاییز و زمستان ۸۳، در این مقاله یک نگاه کلی از قاعده نفی سبیل و مستندات آن بیان شده است.

۴. کتاب مبانی نظری و آثار عملی قاعده نفی سبیل از رسول عبدالله که مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی (ص) در سال ۱۴۰۰ آن را منتشر کرده است. نویسنده در این کتاب بر این است که قاعده مذکور را با روش تحلیلی و توصیفی و با روش درون متنی، مورد بررسی و کنکاش قرار دهد.

۵. کتاب قاعده نفی سبیل: قاعده عزت مندی مسلمین، بررسی مستندات و کاربردها از فاطمه غفارنیا که توسط نشر هاجر (وابسته به مرکز مدیریت حوزه های علمیه خواهان) در سال ۱۳۹۸ منتشر شده است. نویسنده در این کتاب کوشیده است که مفاد و جایگاه قاعده نفی

سبیل و همچنین کاربردها و نفی سلطه فرهنگی، اقتصادی و سیاسی را بیان کند. از بررسی های که تاکنون صورت گرفته به دست می آید که کمتر تحقیق مستقلی در خصوص امتیازات و اشتراکات پیش نویس برنامه همکاری های جامع ۲۵ ساله ایران و چین و ارتباط آن با قاعده نفی سبیل گردآوری شده باشد لذا پژوهشگر در این تحقیق در پی آن است که موارد امتیازات و مورد مناقشه و اشتراکات سند همکاری ایران و چین با فقه را ذکر کرده، به تنقیح آن پرداخته و تحلیل لازم را ارائه دهد.

۳-مفهوم شناسی قاعده نفی سبیل

۱-۳-تعريف لغوی

«سبیل» در لغت از ماده «سبیل» «به معنی راه و طریقی است که در آن سهولت باشد: «الطريق الذي فيه سهولة» (راغب، ۱۴۱۲ق، ص ۳۹۵). به نظر امام خمینی، واژه سبیل در همه کاربردهای قرآنی در معنای خودش (راه) به کار رفته است . البته، در برخی از آنها معنای حقیقی مقصود بوده و در بیشتر موارد، معنای مجازی به صورت «حقیقت ادعایی» اراده شده است، مانند سبیل الله، سبیل المؤمنین و سبیل الرشد؛ با ادعای اینکه راه های معنوی همچون راه های حسی هستند (موسوی خمینی (ره)، ۱۴۲۱ق، ج ۲، ص ۷۲۱).

۲-۳-تعريف اصطلاحی

طبق قاعده نفی سبیل خداوند متعال در شرع مقدس اسلام ، حکمی را که موجب چیرگی یا نفوذ و تسلط کافران بر مسلمانان شود ، جعل نکرده است و هر حکمی که دائر مدار سلطه کافران بر ملت اسلامی یا آحاد جامعه اسلامی شود ، از جانب خداوند متعال نیست و نباید از آن پیروی کرد (جنوردی، ۱۴۲۴ق، ص ۱۹۳).

۴-مستندات قاعده نفی سبیل

۱-۴-کتاب

مستند اصلی قاعده نفی سبیل آیه شریفه (وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا) است. البته آیات دیگری نیز در رابطه با این قاعده وجود دارد که به طور عام بر این قاعده تصریع دارد ، اما صریح ترین آن ها آیه نفی سبیل است ، به گونه ای که قاعده از الفاظ آن گرفته شده است.

۲-۴-تفسیر آیه نفی سبیل

در رابطه آیه نفی سبیل تفاسیر گوناگونی وجود دارد . برخی مانند شیخ طوسی(رض) معتقدند که این آیه مربوط به غلبه مسلمانان بر کافر در قیامت است (شیخ طوسی،بی تا، ج ۳، ص ۳۶۴). طبرسی نیز در این آیه ،نفی را به معنی نفی غلبه یهود یا نفی غلبه در احتجاج می داند(طبرسی ، ۱۳۷۲ ، ج ۳ ، ص ۱۹۶).اما برخی مانند ابن عربی ، از مفسران اهل سنت معتقد است که در این آیه غلبه در قیامت منظور نیست و این آیه را دارای ۳ معنا می دانست: ۱. نفی غلبه کافران بر دولت مسلمان که در روایت آمده است ۲. نفی جعل سبیل سلطه از سوی خداوند به نفع کافران مگر اینکه مسلمان خود این راه را قرار دهند ۳. نفی سلطه تشریعی(ابن عربی، ۱۴۰۸ق، ج ۱، ص ۱۵۰). در یک نگاه جامع، امام خمینی(ره) این آیه را ناظر به دور نمای کلی و ساختار سازی فکری جامعه اسلامی و دفع شبھه عقیدتی در باب ناچار بودن مسلمانان به پذیرش قضای الهی در برتری کافران معنی کرده است . ایشان این معنا را به منزله سیاستی برای پویایی جامعه اسلامی در مبارزه با ظلم می داند که با آیات فراوان دیگری نیز همخوانی دارد، آیاتی که در آن ها خداوند به مسلمانان تلاشگر وعده نصرت داده است. (موسی خمینی(ره)، ۱۴۲۱ق، ج ۲ صص ۷۲۱_۷۲۵).

۳-۴-روایت

از رسول خدا (ص) این گونه نقل شده: (الاسلام يعلو و لا يعلى عليه والكافار بمنزلة الموتى لا يحجبون و لا يرثون) (شیخ صدوق ، ۱۴۱۳، ج ۴، ص ۳۳۴). اسلام دین برتر است و چیزی بر آن برتری نمی گیرد و کافران همانند مردگانند که نه مانع ارث می شوند و نه ارث می بردند . در رابطه با این روایت دیدگاههای گوناگونی وجود دارد که برخی آن را دلیل محکمی برای اثبات قاعده نفی سبیل می دانند و برای آن شهرتی مانند (لاضرر) و (لاحرج) قائل شده اند. البته این روایت به موضوع ارث هم مربوط می شود که به محرومیت غیر مسلمان از سهم الارث اشاره می کند .

۴-۴-اجماع

یکی دیگر از مستندات قاعده نفی سبیل اجماع است (مراغی ، ۱۴۱۷، ق، ج ۲ ، ص ۳۵۲). قاعده نفی سبیل مورد قبول تمامی فقیهان است و آنچه که در آن اختلاف وجود دارد در رابطه سندیت اجماع است ، بنابراین تمسک به اجماع برای کسانی قابل توجیه است که اجماع را حتی با وجود اسناد معتبر دیگه دلیل دانسته و به آن تمسک می جویند البته این مورد قبول همه نیست اما مورد قبول بسیاری از فقیهان مشهور است.

۵-۴-مناسبت حکم و موضوع

از دیگر دلایل این قاعده مناسبت حکم و موضوع است . به این بیان که عزت و شرف اسلام مقتضی ، بلکه علت تامه است که در احکام و مقررات آن چیزی که به ذلت مسلمان بینجامد ، وجود نداشته باشد. برخی از کسانی که به این دلیل استناد نموده اند آن را بهترین دلیل برای استدلال به این قاعده دانسته اند (جنوردی، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۱۹۲).



۵- قاعده نفی سبیل و سیاست خارجی دولت اسلامی

در سیاست خارجی دولت اسلامی، نقش مکتب اسلام، اصول و ارزش‌های برآمده از آن و دیدگاه‌های فقیهان و اندیشمندان اسلامی در این خصوص تعیین‌کننده است. همان‌گونه که خصلت‌های فرهنگی و ایدئولوژیک ممکن است در سیاست خارجی هر کشور تأثیرگذار باشد، هر دولت اسلامی نیز به دنبال تحقق ارزش‌های مکتبی و توحیدی در چارچوب و اهداف سیاست خارجی خویش است (غفوری، ۱۳۷۸، ص ۹۱). شاید در قرآن کریم پس از موضوع جهاد در سیاست خارجی دولت اسلامی، بر هیچ مسئله سیاسی دیگری نظر نفی ولايت غیر مسلمان بر مسلمان تأکید نشده باشد. این، اصلی مهم و حاکم بر سیاست و روابط خارجی دولت اسلامی با غیر مسلمانان تلقی می‌شود. التزام به این اصل می‌تواند راه نفوذ و سلطه کفار بر مسلمین را مسدود نماید (حقیقت، ۱۳۸۷، ص ۱۱۸). استقلال و عدم وابستگی در همه ابعاد و حوزه‌های ملل و دول اسلامی می‌تواند از قاعده نفی سبیل منتج شود. دولت اسلامی بر اساس آموزه‌های دین مبین اسلام نه زیر بار ظلم می‌رود، نه به دنبال سلطه بر دولت‌های دیگر است و نه سلطه قدرت‌های بزرگ را بر خود و یا بر دولت‌های دیگر مسلمان یا غیر مسلمان (جهان سوم، مستضعفین جهان) می‌پذیرد. به نوعی باید اذعان کرد که قاعده نفی سبیل می‌تواند هر نوع میثاق و پیمان نابرابری را مسلوب الاثر و کأن لم یکن کند. بدین ترتیب نفی سبیل یکی از اصول و اركان حاکم بر دیپلماسی و روابط بین‌الملل اسلامی در زمینه‌های گوناگون نظامی، سیاسی، فرهنگی، اقتصادی محسوب می‌شود (شکوری، ۱۳۶۷، ص ۳۶۷). ناگفته نگذریم که قاعده مذکور هرگز مانع برقراری روابط با قدرت‌های برتر اقتصادی یا نظامی منطقه‌ای یا جهانی نیست، بلکه اسلام به این نکته اساسی توجه دارد که همیشه در جوی آرام و مالامال از تفاهم، بهتر می‌توان با مخالفان عقیدتی خود به بحث و گفتگو نشست و پیام آزادی‌بخش این دین الهی را به گوش آنها رساند (حقیقت، ۱۳۷۶، ص ۱۸۵). اما این قاعده مجوز برقراری رابطه جهان اسلام با دیگر کشورها و قدرت‌ها را تا بدان‌جا درست و منطقی می‌داند که به سلطه بیگانگان بر امور و سرنوشت کشورهای اسلامی ختم نشود. لازم به ذکر است که این موضوع فقط مربوط به روابط سیاسی جهان اسلام با دیگر دول عالم نیست. آنچه سلطه بیگانگان را در این کشورها تداوم بخشیده است، سلطه اقتصادی و ناتوانی این کشورها بر سرنوشت مسلمانان باشیم. به نظر امروزه در جهان اسلام بیش از آنچه نگران سلطه سیاسی قدرت‌ها باشیم باید نگران سلطه اقتصادی آنان بر سرنوشت مسلمانان باشیم. به نظر می‌رسد با توجه به وضعیت موجود، تلاش استکبار این است که کما فی الساق سلطه اقتصادی خود را بر پیکره جهان اسلام حفظ کند و وابستگی اقتصادی ایشان، پیامد وابستگی سیاسی و فرهنگی را برایشان به ارمغان آورد؛ آن‌گونه که در طول تاریخ شاهد و ناظر چنین درد الیام ناپذیری بوده‌ایم.

۶- قاعده نفی سبیل در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مبین نهادهای فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی جامعه ایران براساس اصول و ضوابط اسلامی است. تقریباً تمام اصولی که در قانون اساسی ایران به سیاست خارجی آن مربوط می‌شود متأثر از قاعده نفی سبیل است. در همین رابطه در بند ششم اصل دوم اظهار می‌دارد: «نفی هرگونه ستمگری و ستمکشی و سلطه‌گری و سلطه‌پذیری ...» که مبین ابعاد داخلی و خارجی سیاست‌های جمهوری اسلامی است. همچنین در بند پنجم اصل سوم آمده است: «طرد کامل استعمار و جلوگیری از نفوذ اجانب». اصول ذکر شده از قانون اساسی که براساس و به استناد قاعده فقهی - سیاسی نفی سبیل و متأثر از نگرش فقهاء و روحانیان شورای مقننین قانون اساسی تدوین شده است، نقش تأثیرگذار و پایدار در سیاست‌های کلان و برنامه‌ریزی‌های ملی ایران اسلامی داشته و دارد. در بند هشتم اصل چهل و سوم نیز برای تأمین استقلال جامعه جمله: «جلوگیری از سلطه اقتصادی بیگانه بر اقتصاد کشور» آورده شده است. این اصل در قالب سیاست

نفی سبیل اقتصادی چهره می‌نماید و نقش بازدارندگی و آگاهی بخشی به ملت ایران و مسلمانان دارد. در جهت تضمین این هدف، اصل هشتادویکم قانون اساسی به صراحت بیان می‌دارد که: «دادن امتیاز تشکیل شرکت‌ها و مؤسسات در امور تجاری، صنعتی و کشاورزی، معادن و خدمات به خارجیان مطلقاً ممنوع است». علاوه بر این، اصل هشتادویکم، گرفتن وام و کمک‌های بدون عوض را از دولت‌های خارجی منوط به تصویب مجلس شورای اسلامی می‌داند. در ادامه، همین اصل با صراحت بیان می‌دارد: «استخدام کارشناسان خارجی از طرف دولت ممنوع است، مگر در موارد ضرورت، با تصویب مجلس شورای اسلامی». اصل ذکر شده را به نوعی می‌توان بعد اقتصادی قاعده نفی سبیل دانست که بعد از ابعاد فرهنگی و سیاسی از اهمیت و اولویت بالایی در روابط خارجی جمهوری اسلامی با سایر دولت‌های غیر اسلامی برخوردار است. اصل یکصد و پنجاه و دوم اعلام می‌دارد: سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بر اساس نفی هر گونه سلطه‌جویی و سلطه‌پذیری ... عدم تعهد در برابر قدرت‌های سلطه‌گر و روابط صلح‌آمیز متقابل با دول غیر محارب استوار است. بر اساس اصل یکصد و پنجاه و سوم، هر گونه قرارداد که موجب سلطه بیگانه بر منابع طبیعی و اقتصادی، فرهنگ، ارتش و دیگر شئون کشور گردد ممنوع است. اصل یکصد و پنجاه و چهارم جمهوری اسلامی ایران سعادت انسان در کل جامعه بشری را آرمان خود می‌داند و از مبارزه حق طلبانه مستضعفین در برابر مستکرین در هر نقطه از جهان حمایت می‌کند. در مقدمه قانون اساسی نیز آنجا که تشکیل امت واحده جهانی در عالم، نجات ملل محروم و تحت ستم در تمامی جهان را بیان می‌کند به نحوی متأثر از چنین قاعده‌ای است. از اصول مذکور می‌توان تأثیر قاعده نفی سبیل بر سیاست خارجی و روابط بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران از نگرش قانون اساسی به روشنی ملاحظه کرد.

۷- قرارداد ایران و چین

برنامه ۲۵ ساله همکاری‌های مشترک ایران و چین یا به اختصار سند همکاری ایران و چین یک توافق سیاسی، استراتژیک و اقتصادی با جنبه‌های پنهان میان نظام جمهوری اسلامی ایران و جمهوری خلق چین برای سرمایه‌گذاری در صنعت نفت ایران، شرکت ملی صادرات گاز ایران، شرکت ملی صنایع پتروشیمی ایران، زیرساخت‌های ایران و همکاری نظامی، امنیتی، فرهنگی و قضایی است. به زعم برخی از کارشناسان حجم سرمایه‌گذاری معادل ۴۰۰ میلیارد دلار آمریکا برآورد می‌شود. بخش چشمگیری از این سرمایه‌گذاری چینی‌ها طی سال نخست اجرای قرارداد ۲۵ ساله با آن‌ها به صنعت نفت و گاز ایران تزریق می‌شود و مابقی آن به صورت مرحله‌ای و براساس توافق دو طرف از سوی پکن در ایران انجام می‌شود. آغاز بحث این توافقنامه به سفر شی جینگ پینگ، رئیس جمهور جمهوری خلق چین، به ایران در سال ۱۳۹۴ بر می‌گردد. از سال ۱۳۹۸، بستن این پیمان به طور جدی مورد بحث قرار گرفت و چند متن پیش‌نویس، میان دو کشور مبادله شد. در پایان حسن روحانی، رئیس جمهور ایران در ۱ تیر ۱۳۹۹ پیش‌نویس نهایی برنامه ۲۵ ساله همکاری‌های جامع را در جلسه هیئت دولت بررسی و تأیید کرد. برخی منتقدان، این حرکت را نه به دلیل چرخش نظام جمهوری اسلامی به سمت شرق، بلکه نشانه ورود ایران به بازی قوانین بین‌الملل می‌دانند و آن را عقب‌نشینی از سیاست‌های چهل سال گذشته خود ارزیابی می‌کنند. عده‌ای نیز آن را ناقض اصل ۷۷ قانون اساسی می‌دانند. همچین شماری از نمایندگان مجلس از ابعاد «پنهان» این قرارداد ابراز نگرانی کرده‌اند. گروهی از منتقدان، از جمله، برخی سیاستمداران داخلی و مخالفان جمهوری اسلامی ایران در خارج از کشور از این توافق بهویژه با ادعای استقرار نیروی نظامی چینی و نیز واگذاری برخی جزایر جنوب ایران انتقاد کرده و به تبدیل ایران به مستعمره و وابسته اقتصادی چین، هشدار دادند. گروه دیگری نیز عملی شدن آنچه که اعلام شده را دور از واقعیت می‌دانند و تأکید می‌کنند که بر اساس تجربه، چین نشان داده است که به دنبال منفعت خود است و هر جا که ببینند ممکن است منافعش صدمه بینند، پا پس می‌کشد. مدافعان سند می‌گویند در این مرحله تنها یک توافق راهبردی برای تعیین چارچوب کلان همکاری تدوین شده و شامل اعداد و ارقام موردبخت نمی‌باشد. این‌ها در آینده در قالب قراردادهای مشخص تدوین خواهد شد. در شرایطی

که تحریم های آمریکا علیه ایران در راستای اعمال استراتژی فشار حداکثری به بیشترین میزان خود رسیده است و منجر به بحران اقتصادی در ایران شده است، توافق بلندمدت با چین راه نجاتی برای ایران دربرابر تحریم فزاینده اقتصادی به شمار می‌رود. هنوز دقیقاً ابعاد قرارداد اعلام نشده است اما برخی از سرمایه‌گذاری ۴۵۰ میلیارد دلاری چینی‌ها در صنایع مختلف ایران در این قرارداد ۲۵ ساله سخن می‌گویند. اکنون با توجه به توضیحات ارائه شده به بررسی برخی از مفاد پیش‌نویس برنامه همکاری‌های جامع (۲۵ ساله) ایران و چین و امتیازات و اشتراکات آن با قاعده نفی سبیل می‌پردازیم:

۸- حوزه نفت و انرژی

در مفاد پیش‌نویس به عرضه پایدار نفت خام به چین اشاره شده است، از نکات مثبت در زمینه نفت و انرژی می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

۱. مشارکت در ساخت و تجهیز سازی مخازن ذخیره سازی نفت در ایران و چین و یا سایر نقاط جهان.
۲. مشارکت در احداث ، توسعه خطوط انتقال انرژی ایران از جمله خطوط لوله نفت ، گاز ، فرآورده‌های نفتی و شبکه برق.
۳. افزایش صادرات محصولات پتروشیمی ایران به چین و همکاری درباره تولید برق و کود از زباله‌های شهری.
۴. همکاری در زمینه ساخت کارخانجات تولید تجهیزات و فناوری‌های جدید در حوزه آب و برق ایران.
۵. ساخت تاسیسات آب شیرین کن‌های بزرگ.

البته این عرضه پایدار نفت خام به چین که اشاره شد جای نقد نیز دارد ، زیرا وقتی که ایران می‌تواند از نفت خام به عنوان سوخت و انرژی بهر برداری کند و به جای نفت خام که سرمایه به شدت مهمی برای کشورمان است بتوانیم انرژی‌ها و سوخت‌های حاصل از آن را صادر کنیم چرا باید به صورت خام و حتی سودی کمتر نفت را به چین صادر کنیم . حتی ممکن است کشور چین از نفت خام انرژی‌ها و مواد و محصولات حاصل از آن را به کشور ایران بفروشد و به نوعی انرژی‌ها و محصولات و موادی که کشور ایران می‌توانست از نفت خام بهر برداری کند را از کشور دیگر خریداری کند و از بیت المال هزینه خرید این اقلام را پردازد .

۹- مالی ، بانکی ، بیمه ای

از تعداد نکات مثبت در زمینه مالی ، بانکی ، بیمه ای به چند نکته ذیل بسته می‌کنیم:

۱. گسترش همکاری‌های مالی ، بانکی ، بیمه‌ای در چارچوب قوانین دو کشور.
۲. حمایت از همکاری‌های بیمه‌ای و پوشش بیمه‌ای و پروژه‌های بزرگ ملی ایران در چارچوب قوانین و مقررات.
۳. ایجاد یک شرکت تجاری مشترک به منظور تسهیل تجارت کالا بین فعالان تجاری دو کشور.

انتقادی که می‌توان به موارد در زمینه مالی ، بانکی و بیمه ای انجام داد ؛ به مورد تسهیل سرمایه‌گذاری طرف چینی در پروژه‌های مناطق ویژه و آزاد تجاری_صنعتی ایران مبتنی بر کمربندراه اشاره کرد. در این مورد باید توجه داشت که سرمایه‌گذاری طرف چینی باید حساب

شده و هوشمندانه از طرف مسئولین و دست اندر کاران و تحلیل گران این توافق مورد وارسی قرار گیرد ، چون جزئیات برخی مفاد هنوز منتشر نشده است و نمی توان به طور دقیق و قطعی نظر داد ، اما در این مورد باید توجه داشت که سرمایه گذاری یک کشور خارجی در کشورمان ایران خوب است ،اما این سرمایه گذاری باید حساب شده باشد، به گونه ای که اولویت سرمایه گذاری با سرمایه گذاران داخلی باشد.

۱۰-حمل و نقل و زیر ساخت

از تعداد نکات مثبت در زمینه حمل و نقل و زیر ساخت به مواردی چند اشاره می شود:

۱. تشویق سرمایه گذاری و تأمین مالی در ساخت و توسعه فرودگاه ، خرید محصولات هوایی تولید مشترک ایران و چین و توسعه زنجیره تامین هوایی متشكل از شرکت های ایرانی. مورد فوق که موجب همکاری کشورمان ایران با چین در زمینه تولید مشترک محصولات هوایی می شود نکته مثبتی در جهت اینکه ایران به عنوان سازنده محصولات هوایی مطرح و توانمند می شود بسیار مهم و سود آور است.
۲. همکاری در زمینه مشاوره و مدیریت در زمینه مدیریت و راهبرد فرودگاهی ، تبادلات علمی و آموزشی در بخش صنعت هوایی.
۳. انتقال فناوری و مشارکت در توسعه فناوری های مورد نیاز در صنعت هوایی.
۴. همکاری در ساخت ساختمان های سبز و هوشمند.
۵. تبادل فناوری و همکاری از نظر ساخت بزرگراه کوپری.

۱۱-علمی ، فرهنگی ، گردشگری ، محیط زیست

از تعداد نکات مثبت در زمینه علمی ، فرهنگی ، گردشگری ، محیط زیست به نکاتی چند اشاره خواهیم کرد:

۱. اعطای بورس تحصیلی دولتی متقابل و تبادل استاد و دانشجو و انجام تحقیقات مشترک بین دانشگاه های دو کشور و شرکت های دانش بنیان با حمایت از ایجاد صندوق های مالی مشترک در حوزه همکاری علمی و فناوری.
۲. حمایت از کرسی های آموزش زبان و ادبیات فارسی و چینی در دانشگاه ها ؛ این امر موجب ترویج فرهنگ کهن ایران زمین در بین مردمان چین که کشور پر جمعیتی است می شود ، هم چنین مردمان چین با اسلام ناب محمدی(ص) آشنا شده و چه بسا در همین آشنایی ها از مردان چین به دین مبین اسلام گرویده شوند.
۳. مشخص کردن پژوهه های مشترک در حوزه فناوری های نوین.
۴. همکاری در صنعت گردشگری با تمرکز بر توسعه زیر ساخت ها ، تسهیل جذب گردشگران از دو کشور ، توسعه محصولات و خدمات گردشگری ، و پیشبرد همکاری ها در زمینه میراث فرهنگی و صنایع دستی.



۱۲- عضویت ایران در سازمان شانگهای

بدون شک، عضویت ایران در این پیمان سبب می‌شود که روابط دوجانبه کشور با تک‌تک اعضا بهبود یابد و ایران از ظرفیت‌های اقتصادی جدید بهره‌مند شود؛ از سوی دیگر به دلیل عدم عضویت غربی‌ها در این سازمان، ظرفیت‌های قابل توجهی برای ایران ایجاد خواهد شد و کشور قادر خواهد بود بدون امتیازدهی به غرب، در مسیر خنثی‌سازی شرایط تحریمی قدم بردارد. به طور کلی «امکان تجارت مستقیم و پایدار با کشورهای عضو»، «ایجاد اعتماد همه اعضا جهت تعامل همه‌جانبه»، «تقویت اثرگذاری در بازار بین‌المللی نفت و گاز»، «کاهش هزینه حمل و نقل در صادرات و واردات»، «سرعت بخشیدن به روند حذف دلار از معاملات»، «مشارکت سازنده در حل و فصل مناقشات منطقه‌ای»، «افزایش همکاری در زمینه‌های مختلف از قبیل انرژی و تورسیم» و «برقراری امکان مشارکت گستردۀ در ساختارهای سیاسی نظامی و امنیتی»، از مهم‌ترین مزایای عضویت ایران در سازمان همکاری‌های شانگهای به شمار می‌رود. شایان ذکر است که اغلب کشورهای عضو شانگهای مصرف کننده کالایی هستند که ایران در تولید آن‌ها نقش مهمی ایفا می‌کند. از سوی دیگر برخی از این کشورها در همسایگی ایران قرار دارند و هزینه تجارت و حمل و نقل بسیار پایین خواهد بود. از دیگر مزایای حضور در سازمان همکاری‌های شانگهای تأمین نیازهای کشور است.

۱۳- افتراق با شعار نه شرقی نه غربی

یک نکته اساسی نیز لازم است اینجا اشاره شود: این روزها خیلی از مخالفین و معاندین، رابطه ایران با چین را با تفسیر نادرست از شعار «نه شرقی و نه غربی» زیر سؤال می‌برند. در این خصوص باید چند نکته را مدنظر قرار داد:

۱۳-۱- مبنای نظام جمهوری اسلامی ایران

در روزهای نخست پیروزی انقلاب اسلامی بنیان‌گذار کبیر انقلاب در مقابل ایده‌های روشن‌فکر مآبانی که به دنبال الگو گرفتن از مدل حکمرانی لیبرال دموکراسی غرب بودند و همچنین جریان‌های التقاطی که نظام حاکم بر سوسیالیسم شرق را مطرح می‌کردند، اصل «نه شرقی نه غربی جمهوری اسلامی» را ارائه فرمودند. بدین معنا که مبنای حکومت نه لیبرال دموکراسی غرب است و نه سوسیالیسم شرق بلکه «جمهوری اسلامی» است.

۱۳-۲- عدم وابستگی

کشورهای دنیا در نظام دوقطبی آن روزها یا زیر پرچم شرق بود یا زیر پرچم غرب. حضرت امام(ره) با این شعار که بر مبنای قاعده نفی سبیل اعلام کردن ما زیر پرچم هیچ‌کدام از این دو ابر قدرت نیستیم.

۱۳-۳- حفظ امنیت و تمامیت ارضی

در ۲۰۰ سال گذشته اولین بار بود که ایران در یک جنگ نابرابر یک وجب از خاک پاکش را نداد. یکی از مهم‌ترین دستاوردهای امنیتی و دفاعی جمهوری اسلامی ایران، تأمین امنیت داخلی است. در حالی که قدرت‌های متخاصم طی چند دهه گذشته سعی کردند به اشکال مختلف از جمله حمایت از گروهک‌های تروریستی، ایجاد آشوب‌های داخلی و ... جمهوری اسلامی ایران را با نامنی داخلی مواجه سازند، امروز جمهوری اسلامی ایران امن‌ترین کشور در نامن‌ترین منطقه جهان است. در منطقه غرب آسیا امنیت اغلب کشورها، امنیت «وارداتی» است؛ به عبارت دیگر، امنیت اغلب کشورها وابسته به حمایت قدرت‌های خارجی است. این در حالی است که جمهوری اسلامی ایران نه تنها بدون وابستگی به قدرت‌های خارجی امنیت خود را تأمین نموده بلکه همواره خواستار تمرکز بر امنیت «بومی» در منطقه نیز بوده است. امنیت در جمهوری اسلامی ایران از کارسازترین نوع امنیت یعنی «امنیت مردم محور» است.

۴-۱۳- رنسانس و نوسازی در آگاهی‌های اجتماعی

دستاورد دیگر انقلاب اسلامی افزایش آگاهی‌های اجتماعی و آزادی مردم است. هر چند گسترش رسانه و فضای مجازی در ارتقای آگاهی‌های سیاسی اجتماعی مردم بی‌تأثیر نبوده است، اما بستر اصلی افزایش این آگاهی‌ها و بیان دیدگاه‌های سیاسی توسط انقلاب اسلامی ایجاد شد. امروزه مردم به حقوق خودشان آشنا هستند، آزادی وجود دارد، هر کس به راحتی دیدگاه خودش را بیان می‌کند و بینش، فهم و تحلیل سیاسی مردم نسبت به مسائل داخلی- منطقه‌ای و جهانی به‌گونه‌ای شکفت‌آور ارتقاء پیداکرده است.

۱۴- تعامل با کشور چین یک راهبرد الزامی

اکنون که کشور آمریکا در مقام یکی از بازیگران اصلی نظام بین الملل در صدد محدود کردن ایران است و اروپا هم تعاملات خود را به حداقل رسانده، شرایط ایجاب می‌کند که ایران با چین به عنوان دومین قدرت اقتصادی دنیا تعاملات و ارتباطات گسترشده و راهبردی برقرار کند بنابراین قرارداد همکاری راهبردی دو کشور در این وضعیت معنا پیدا می‌کند. مؤلفه‌های قدرت ملی ایران به گونه‌ای است که بدون تعامل با محیط منطقه ای و بین المللی امکان قدرت یابی ایران وجود ندارد، به عبارت دیگر موقعیت جغرافیایی و فرهنگ سیاسی مردم ایران که در طول سال‌ها و قرن‌های متتمادی شکل گرفته همواره ایران را در موقعیتی قرار داده که الزاماً باید تعاملات و ارتباطات بین المللی داشته باشد. بدین ترتیب ایران ملزم به حضور فعال در عرصه بین المللی است. موقعیت ایران از کشورهای بسیاری که در یک محدوده جغرافیایی محصورند و حوزه کوچک تعاملاتی در عرصه بین المللی دارند متفاوت است؛ ایران بیش از ۱۵ همسایه مرزی دارد و تعداد زیادی از مردم ایران در خارج از کشور زندگی می‌کنند. لذا هویت جمعیتی و سرزمینی ایران این الزام را ایجاد می‌کند که تعاملات بین المللی و منطقه ای فعالی داشته باشد. درباره بعضی نگرانی‌ها از طولانی بودن این قرارداد و امکان شکل گیری نوعی سلطه از سوی چینی‌ها می‌توان گفت قاعده «تنفی سبیل و عدم سلطه کفار بر مسلمانان از قواعد مهم دینی در حوزه روابط بین حکومت اسلامی با غیر اسلامی است که در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران هم بیان شده است و یکی از مصاديق پذیرش سلطه دادن پایگاه‌های نظامی به طرف بیگانه است. در واقع سلطه شامل چنین مصاديقی است اما توافق همکاری ایران و چین در عرصه های سیاسی، اقتصادی، ارتباطاتی، امنیتی، گردشگری و سرمایه‌گذاری خارجی است. ایران در وضعیت فعلی به شدت نیازمند سرمایه‌گذاری خارجی است و از طرفی کمتر کشوری با توجه به فشارهای حداکثری آمریکا بر ایران حاضر به سرمایه‌گذاری مستقیم در این کشور است. بنابراین چین به عنوان یک انتخاب راهبردی برای ایران قطعاً می‌تواند گشايش های خیلی جدی در تعاملات اقتصادی بانکی و صنعتی ایران ایجاد کند. قطعاً دقت لازم در کشور در مورد چنین قراردادهایی وجود دارد تا

منجر به سلطه طرف بیگانه نشود. شاید در طول تاریخ ایران هیچ موقع به اندازه این چند دهه پس از انقلاب حساسیت نسبت به عوامل بیگانه در کشور وجود نداشته است ، به نحوی که برخی از این حساسیت ها به افراط کشیده شده و چارچوب های منافع ملی کشور را نیز زیر پا گذاشته است. بر این اساس برخی نگرانی ها از عدم رعایت قاعده نفی سبیل و برقراری سلطه بیگانه بر ایران چندان درست نیست و با شرایط امروز ایران سازگاری ندارد. هر کشوری که به دنبال توسعه است می بایست با محیط بین المللی تعامل داشته باشد و امکان توسعه همه جانبه بدون تعامل فعال و همکاری با کشورها و مجتمع بین المللی فراهم نخواهد بود و لذا ایران به عنوان یک الزام استراتژیک به همکاری با چین روى آورده است. عبدالرضا فرجی راد سفیر اسبق ایران در نروژ استاد ژئوپلیتیک و کارشناس مسائل بین الملل پیرامون قرارداد راهبردی ۲۵ ساله ایران و چین بر این باور است که باید هرچه سریعتر این سند به تصویب برسد ، چون هیچ راهی برای توسعه و پیشرفت پایدار کشور جز تصویب این سند با چینی ها وجود ندارد. به هر حال موانع زیادی برای همکاری ایران با اروپا وجود دارد یک روز مسئله حقوق بشر، روز دیگر توان موشکی و دفاعی مسئله نفوذ منطقه ایران و یا پرونده فعالیت های هسته ای ، در صورتی که هیچ کدام از این مسائل نقاط نگران کننده و حساسی برای چینی ها محسوب نمی شوند. ضمناً باید گفت در دنیای روابط بین الملل اقتضایات جدیدی حاکم است و این اقتضایات جدید نشان می دهد که اساساً بلوک بندی جنگ سرد دیگر از بین رفته است. لذا دیگر نمی توان عنوان کرد که اکنون کشورها یا باید به بلوک شرق وابسته باشند و یا در بلوک غرب جای بگیرند. حتی خود کشور چین که از آن به عنوان بلوک شرق یاد می کنند دیگر نگاه دو قطبی کلاسیک به نظام روابط بین الملل ندارند و در مقابل نیز کشورهای جهان حتی کشورهای اروپایی نیز چنین چارچوبی را در مناسبات خود با پکن و مسکو تنظیم نمی کنند. اگر به روابط چین با آمریکا و متحдан اروپایی و همچنین آسیایی آنها نگاه بیندازیم ، می بینیم که اکنون این مناسبات ترکیب و تلفیقی از همکاری های دو یا چند جانبه و همچنین رقابت های سیاسی ، دیپلماتیک امنیتی و نظامی است. اما شرایط به گونه ای نیست که بتوان گفت بلوک بندی جنگ سرد در روابط آنها وجود دارد. چین علاوه بر آن که سعی می کند روابط گرمی با جمهوری اسلامی ایران و کشورهای همسو در منطقه داشته باشند از آن سو تلاش جدی برای پیگیری روابط گرمی با عربستان سعودی، امارات متحده عربی و دیگر کشورها دارد از این رو قطعاً پیگیری و تصویب این قرارداد جامع ایران با چین به معنای چرخش کامل تهران به سمت بلوک شرق و نگاه به شرق صرف نیست. نکته دیگر این است که اگرچه اکنون در رسانه ها از این قرارداد به عنوان قرارداد ۲۵ ساله راهبردی ایران و چین یاد می شود، اما هنوز از مدت زمان واقعی این قرارداد خبری در دسترس نیست شاید این قرارداد کمتر از ۲۵ سال باشد شاید هم بیشتر از آن. اما در حال حاضر از این قرارداد به عنوان قرارداد جامع همکاری های راهبردی ۲۵ ساله ایران و چین یاد می شود اگر ایران بتواند بر اساس این توافق منافع خود را در همکاری با چین پی بگیرد کشور می تواند بنای یک توسعه گسترده باثبات و راهبردی را آن هم در شرایط تحریمی کنونی در دستور کار قرار دهد. عملیاتی شدن این توافقنامه ایران و چین می تواند به عنوان رقابت بین اروپا و چین در افزایش همکاریهای تجاری با ایران عمل کند پس بهترین و منطقی ترین ستاریو آن است که ایران روابطی همه جانبه گسترده و پایدار با همه کشورهای جهان از چین تا اروپا داشته باشد. به خصوص که جایگاه ژئوپلیتیک جمهوری اسلامی ایران در منطقه هم برای چینی ها و هم برای اروپایی ها بسیار اهمیت دارد. برای رسیدن به این نقطه لازم است که این قرارداد با یک نگاه فرادولتی و راهبردی پیگیری شود یعنی با تغییر دولت ها نباید خللی در پیگیری این توافق صورت گیرد. علاوه بر آن همه وزارت خانه ها نهادها و ارگان ها باید در یک برنامه ریزی دقیق منسجم و در یک وحدت رویه سهم خود را در پیگیری این توافقات ایفا کنند و این گونه نباشد که این سند به حال خود رها شود و یا هر وزارت خانه ای به صورت جزیره ای عمل کند. همان گونه که در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مطرح شده است ، ما شعار نه شرقی و نه غربی را در سیاست خارجی خود داریم و در طول سال ها نیز عملًا این سیاست از سوی دولت ها در دستور کار قرار گرفته است. اما چون در طول این سال ها شدت تنش های اروپایی ها و نیز ایالات متحده آمریکا با جمهوری اسلامی ایران بیشتر شده این ذهنیت شکل گرفته است که ایران سیاست نه شرقی و نه غربی را کنار گذاشت و به سمت همکاری و گرایش بیشتر با چین رفته است در صورتی که اساساً جمهوری اسلامی ایران هیچ گاه در پیگیری منافع ملی و راهبردی خود هیچ گونه وابستگی به شرق و غرب نداشته است(فتح اللهی عبدالرحمن، ۱۳۹۹).

۱۵-نتیجه گیری

قاعده نفی سبیل از مهم ترین قواعد فقهی اسلام است. این قاعده هر گونه رابطه مسلمانان با کفار را تحت حاکمیت خود قرار داده و هرگونه رابطه مدار را نفی کرده است ، زیرا اسلام همچنان بر عزت و استقلال مسلمانان تاکید دارد و جایز نمی داند که کفار بر سرنوشت مسلمانان تسلط داشته باشند. به نظر می رسد امروزه قاعده نفی سبیل در قانون اساسی، دیدگاه های امام خمینی(ره) و سیاست های کلی برنامه توسعه کشور، جایگاه رفیع و پایداری را به خود اختصاص داده و به دستور العملی برای سیاست خارجی کشور تبدیل شده است. همینطور در سطح بین المللی باید گفت زمانی که از یک طرف معاهدات مابین کشورهای مسلمان و غیر مسلمان باشد و از طرف دیگر موجبات سلطه تسلط دینی را ایجاد کند، باید طبق قاعده نفی سبیل عمل شود و از چنین معاهداتی در روابط بین المللی جلوگیری شود. از نکات مهم به دست آمده در این پژوهش این است که دولت اسلامی و جمهوری اسلامی ایران باید در قرارداد های بین المللی خود سعی کند که مقهور و زیر سلطه دیگر کشورها نزود ، از جمله این قرارداد ها که باید مورد بررسی قرار گیرد سند همکاری ۲۵ ساله ایران و چین است. پیشنهاد می شود که کمیته ای مستقل در باب بررسی پیش نویس همکاری های جامع ۲۵ ساله ایران و چین تهیه شود و با فوریت و مذاقه تمام به بررسی جنبه های پنهان این قرارداد بپردازد.



References

1. Ibn Arabi, M.(1987). Ahkam al-Quran (by Ibn Arabi), four volumes, Beirut, Dar al-Jeel, first edition.
2. Bajnouri, M. (1981), Al-Qawaид al-Fiqhiyah, Qom: Nashr al-Hawi. **[In Persian]**
3. Bajnouri, S H (1998), Al-Qawaيد al-Fiqhiyah (by Bajnouri, Sayyid Hasan), seven volumes, Qom, Nashr al-Hadi, first edition. **[In Persian]**
4. Khomeini, S R(2000), Kitab al-Buyu' (by Imam Khomeini), five volumes, Tehran, Institute for Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works, first edition. **[In Persian]**
5. Raghhib Isfahani, H (19), Mufradat al-Faz al-Quran, one volume, Lebanon-Syria, Dar al-Alam, Dar al-Shamiyah, first edition.
6. Sheikh Tusi ,A. (no date).Al-Tibyan fi Tafsir al-Quran, ten volumes, Beirut, Dar Ihya al-Turath al-Arabi, first edition.
7. Sheikh Saduq M(1992), Man La Yahduruhu al-Faqih, four volumes, Qom, Islamic Publications Office affiliated with the Society of Seminary Teachers, second edition. **[In Persian]**
8. Tabarsi, F.(1993). Majma al-Bayan fi Tafsir al-Quran, ten volumes, Tehran, Naser Khosrow, third edition. **[In Persian]**
9. Maraghi,M. (1996). Al-Anawin al-Fiqhiyah, two volumes, Qom, Islamic Publications Office affiliated with the Society of Seminary Teachers, first edition. **[In Persian]**
10. Najafi, S M .(1981).Jawahir al-Kalam fi Sharh Sharayi al-Islam, vol. 41, Tehran: Dar al-Kotob al-Islamiyah. **[In Persian]**
11. Beestoni, M.(2003).Tafsir-e-Javan, Beyan-e-Javan Publications, Tehran, third edition. **[In Persian]**
12. Ja'farian, R. (2007).Political History of Islam (The Life of the Prophet Muhammad), Delil-e-Ma'a Publications, Qom, seventh edition. **[In Persian]**
13. Haqiqat, S S.(1997). Responsibilities of the Islamic Government, Tehran, Nashr-e-Motalle'at-e-Rahbari. **[In Persian]**
14. Haqiqat, M .(2008). Principles of Islamic Political Thought, Tehran, Samt Publications. **[In Persian]**
15. Zarrinkoub, A.(1995). Karnameh-e-Islam, Amir Kabir Publications, Tehran, fourth edition. **[In Persian]**
16. Shokouhi, A. (1988).Islamic Political Jurisprudence, Qom, Islamic Propagation Office. **[In Persian]**
17. Ghaffari, M. (1999).Principles of Diplomacy in Islam and the Behavior of the Prophet, Tehran, Nashr-e-Mohajer. **[In Persian]**

18. Fattahi, A. (2020). "Developing Relations with Beijing is the Only Way for the Country's Progress in Current Conditions", Iranian Diplomacy Website, April 2021. **[In Persian]**
19. Faiz, A. (1999). Principles of Jurisprudence and Principles, Tehran University Press, Tehran, tenth edition. **[In Persian]**
20. Kalantari, A. (1999), Secondary Judgment in Islamic Legislation, Islamic Propagation Office, Qom, first edition. **[In Persian]**
21. Motahhari, M.(1991). Islam and the Demands of the Time, Sadra Publications, Tehran, eleventh edition. **[In Persian]**
22. Motahhari, M. (2006), A Journey in the Life of the Prophet, Sadra Publications, Tehran, thirty-third edition. **[In Persian]**
23. Makarem Shirazi, N. (2003), Tafsir-e-Nemooneh, Dar al-Kotob al-Islamiyah Publishing, Tehran, second edition. **[In Persian]**
24. Makarem Shirazi, N(2007), Shia Answers, Imam Ali ibn Abi Talib School Publications, Qom, third edition. **[In Persian]**
25. Nou'i, Gh. (2011).Dealing with Opponents in the Quran and Sunnah, Ketaab-e-Mobin Publications, Rasht, first edition. **[In Persian]**